



وقتی برای عباس(ع) امان نامه آوردند / رفع الله راية العباس

مقام تسلیم، تصدیق، وفا، نصیحت نسبت به امام، سستی نکردن در همراهی با امام(ع) بخشی از صفات حضرت عباس(ع) است که در زیارتنامه آن حضرت مورد اشاره قرار گرفته است.

مقام تسلیم، تصدیق، وفا، نصیحت نسبت به امام، سستی نکردن در همراهی با امام(ع) بخشی از صفات حضرت عباس(ع) است که در زیارتنامه آن حضرت مورد اشاره قرار گرفته است.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: نقل های تاریخی در مورد وقایع شب عاشورا همه بر این معنا تأکید دارند که امام بیعت خود را از همه یارانش برداشت و به آنها اجازه داد تا از مسیری که آمده اند باز گردند و فرار کنند. اگرچه عده ای در شب عاشورا و برخی نیز حتی در روز عاشورا از قافله امام جدا شدند اما یاران باوفای آن باقی ماندند تا در عاشورا جان خود را برای امام نثار کنند.

نقل هایی که در مورد حرف های اصحاب امام در شب عاشورا آمده است همه موید وفاداری آنان است. به طوری که مثلاً مسلم بن عوسجه به پا خاست و گفت: «یا تو را در این شرایط در حلقه محاصره دشمن رها کنیم و برویم؟ در پیشگاه خدا برای تنها گذاردن تو چه عذری داریم؟ به خدا سوگند از تو جدا نخواهم شد تا نیزه خود را در سینه آنها فرو برم و تا قبضه این شمشیر در دست من است بر آنان حمله می کنم و اگر سلاحی نداشته باشم که با آن پیکار کنم با سنگ بر آنان حمله کنم، تا آنجا که همراه تو جان بسپارم.»

پس از او شجاع دیگری به نام «سعيد بن عبدالله حنفی» به پا خاست و ضمن بیان وفاداری خود گفت: «نه به خدا سوگند هرگز تو را، رها نخواهیم ساخت تا خداوند را گواه بگیریم که حرمت پیامبر اکرم(ص) را در غیاب او در حق تو رعایت کردیم. به خدا سوگند اگر بدانم که در راه تو کشته می شوم و دگر بار زنده شده و در آتش سوزانده می شوم و خاکستر من را به باد می دهند و هفتاد بار، با من چنین کنند، باز هم هرگز از تو جدا نخواهم شد تا در رکاب تو جان دهم. پس چرا چنین نکنم در حالی که کشته شدن فقط یک بار است و پس از آن کرامتی جاودانه است که پایانی ندارد.»

اما ابتدای همه عباس بن علی (برادر رشیدش) به امام(ع) عرض کرد: برای چه دست از تو برداریم؟ برای این که پس از تو زنده بمانیم؟ خدا نکند هرگز چنین روزی را ببینیم!

وفاداری عباس(ع) به امام حسین(ع) بر کسی پوشیده نبود و همه می دانستند که عباس کسی نیست که پشت برادر را خالی کند. اما با همه این توصیفات اتفاقی در شب عاشورا دل عباس را به درد آورد. آنجا که برای قمر بنی هاشم امان نامه آوردند.

آیت الله محمدعلی جاودان این داستان را اینگونه روایت می کند: دو بار برای حضرت عباس(ع) امان آوردند، مردی است به نام عبدالله بن ابی المحل بن حزام، این یک نامه ای به حضرت عباس(ع) و برادرانش از جانب عبیدالله نوشت و این نامه را به یک غلامی داد تا به عباس(ع) بدهد. نامه را برد و داد. حضرت عباس(ع) فرمود: «لا حاجة لنا فی أمانک»؛ ما به امان تو احتیاج نداریم، «قَالَ أمان الله خيراً من أمان ابنِ مَرْجَانَةَ»؛ امانی که عبیدالله فرزند مرجانه می دهد بهتر است، ما به آن امان احتیاج نداریم، او از کوفه آمده بود، خیلی زودتر از جریان شب عاشورا، این ها زودتر است، بعد روایت دارد که شمر آمد، در برابر لشکرگاه امام حسین ایستاد، «قنادی بأعلى صوته»؛ با صدای بلند فریاد کرد «أین بنو أختنا»؛ فرزندان خواهر ما کجاست؟ اسم برد، جعفر، عباس، عبدالله. امام (ع) به برادران فرمودند که جواب او را بدهید، ولو این ها فاسق است، تشریف آوردند، فرمودند: چه می گوئید؟ چه می خواهید؟ گفت: ای فرزندان خواهر ما! شما در امان هستید، چرا خودتان را به کشتن می دهید؟ شما در امان هستید، خودتان را با برادران به کشتن ندهید «الزموا طاعة أمير المؤمنين يزيد»؛ بیاوید زیر باز اطاعت یزید در امان هستید، «قَالَ لَهُ الْعَبَّاسُ (سَلِّمُ الله عليه) تَبَّ لَكَ يا شمر»؛ خدا بکشد تو را، خدا تو را لعنت کند، لعنت کند آن ها، چه که آوردی، امانت را هم خدا لعنت کند، ای دشمن خدا، تو به ما می گویی که ما بیاویم در اطاعت دشمنان خدا و ترک کنیم یاری برادرمان را، این را هم رد کردند رفت. عباس(ع) همه وجودشان فداکاری است.

در زیارت نامه حضرت عباس خصوصیات و صفات ممتازی برای حضرت بیان شده است؛ از جمله مقام تسلیم، تصدیق، وفا، نصیحت نسبت به امام، نکول نکردن، سستی نکردن در همراهی با امام (ع) بخشی از صفات این وجود نورانی است

حضرت عباس تمام وجودش اطاعت محض از امام بود. مقام تسلیم مقامی است که در زیارتنامه آن حضرت نیز که از معصوم صادر شده است، مورد اشاره قرار گرفته است. آیت الله میرباقری با اشاره به عبارت «أَشْهَدُ لَكَ يَا تَسْلِيمُ وَ التَّصْدِيقَ وَ الْوَقَاءَ وَ النَّصِيحَةَ لِخَلْفِ النَّبِيِّ الْمُرْسَلِ.... أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَهِنْ وَ لَمْ تَنْكُلْ»؛ در زیارتنامه حضرت عباس(ع) می گوید: در همین زیارت نامه کوتاهی که برای حضرت ذکر شده، خصوصیات و صفات ممتازی برای حضرت بیان شده است؛ از جمله مقام تسلیم، تصدیق، وفا، نصیحت نسبت به امام، نکول نکردن، سستی نکردن در همراهی با امام (ع) بخشی از صفات این وجود نورانی است. یکی از صفاتی که ذکر شده، صفت تسلیم است. تسلیم بودن و خود سپاری نسبت به معصوم در آن جایی که خدای متعال به انسان اراده و اختیار داده است.

آیت الله جاودان در مورد این صفت حضرت عباس می گوید: «آدم باید خودش را جلوی امام حسین رها کند. مرحله بالاتر از توسل این است که تو خودت را در برابر امام حسین نبینی. حضرت ابوالفضل چه کار کرد؟ آمد خدمت برادر و گفت اجازه می فرمایید من بروم و انتقام خون برادرانم را بگیرم؟ به زبان بنده فرمود برادرانت را رها کن. برو برای بچه های من آب بیاور. خودت را ول کن. ایشان هم گفت چشم. خودش را ول کرد. سراسر این راه رفت و برگشت. دیگر هم از خودش سخن نگفت. چطور سخن نگفت. آب را آورد تا کنار لب. مگر تشنه نبود؟ بزرگ ترهای این میدان و این لشکرگاه بیشتر تشنه بودند. چون آن وقتی که آب بسته شد، اگر اینها آبی دارند، آب را حیره بندی کردند و ناگزیر هم اول آب را به بچه ها و خانم ها می دهند و بزرگ ترها کمتر آب می خورند. پس قاعدتا این است که حضرت عباس و حضرت حسین علیه السلام و اینها بیشتر تشنه اند. تا کنار لب آورد و بعد ریخت. از خودش گذشته بود. وقتی دومین دستش را قطع کردند فرمود که یا تَفَس مِن بَعْدِ الْحُسَيْنِ هُونِي. خدا نکند تو بعد از حسین بمانی. از خودش گذشته بود. حالا نمی خواهیم آدم ها را با آدم ها و بزرگان را با بزرگان مقایسه کنیم. این از حیطة عقل ما بیرون است. حضرت ابوالفضل در هر صورت از خودش گذشته بود. خودش را رها کرده بود. اگر خودش را رها نکند، می رود در اندرون آن خورشید.

شیخ صدوق در کتابهای الامالی و خصال از امام سجّاد(ع) روایت کرده است که «رَجِمَ اللَّهُ عَمِي الْعَبَّاسَ؛ فَلَقَدْ أَثَّرَ وَ أَبْلَى وَ قَدَى أَخَاهُ يَنْفُسِهِ حَتَّى قَطَعَتْ يَدَاهُ فَأَبْدَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ رِيحًا يَهْمَا جَنَاحَيْنِ يَطِيرُ بِهِمَا مَعَ الْمَلَائِكَةِ فِي الْجَنَّةِ كَمَا جَعَلَ لِيَجْعَلَ بَنَ أَيْ طَالِبٍ وَ إِنِّ لِلْعَبَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مَنَزَلَةٌ يَغِيْطُهُ بِهَا جَمِيعُ الشُّهَدَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

یعنی خدا حضرت عباس را رحمت کند! حقا که امام حسین را بر خویشتن مقدم داشت و جان خود را فدای آن حضرت نمود تا اینکه دست های مبارکش قطع شد. خدای مهربان در عوض دست های عباس(ع)؛ علیه السلام دو بال(ع)؛ به وی عطا کرد تا بوسیله آنها در بهشت با ملائکه پرواز نماید. کما اینکه این نعمت را نیز به جعفر بن ابی طالب عطا کرد.

لذا صفت دیگری که حضرت عباس به آن متصف است و در زیارتنامه آن حضرت هم مورد اشاره قرار گرفته است موضوع وفاداری ایشان است. این مسئله در زیارتنامه ایشان اینگونه نقل شده است که «أَشْهَدُ لَكَ يَا تَسْلِيمُ وَ التَّصْدِيقَ وَ الْوَقَاءَ وَ النَّصِيحَةَ لِخَلْفِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ»؛

تصح برای امام؛ به معنای نصیحت کردن و موعظه کردن امام نیست بلکه بیش از وفا، و به معنای خیرخواهی کردن است؛ یعنی پیمانه ات را که پر کردی، آنچه را هم که از تو نخواستند، بروی انجام بدهی

آیت الله میرباقری در مورد این فراز می گوید: آدمی که تسلیم امام است؛ به فهمی می رسد و محاسباتش با امام همراه می شود. عقل عملش، تعلقاتش، خوب و بد کردن هایش، زشت و زیبا کردن هایش، درکش از معروف و منکر، با امامش هماهنگ شده و تابع و دنباله رو امام و نورانی به نور امام می شود. حالاست که می تواند وفا بکند و پیمانه اش را پر می کند و عهدهایی که با امامش داشته، به تمامه انجام دهد. «وَأَفِيءُ»؛ آن کسی است که پیمانه را پر می کند. از این لطیف تر، نصیحت است. تصح برای امام؛ به معنای نصیحت کردن و موعظه کردن امام نیست بلکه بیش از وفا، و به معنای خیرخواهی کردن است؛ یعنی پیمانه ات را که پر کردی، آنچه را هم که از تو نخواستند، بروی انجام بدهی؛ یعنی کار را زیاتر و بیشتر از آنکه خواستند، انجام دادن.

آیت الله جاودان نیز در مورد وفاداری آن حضرت و واژه «نصح»؛ در زیارتنامه حضرت عباس می گوید: می فرماید که «أَشْهَدُ وَ أَشْهَدُ اللَّهُ. مِنْ شَهَادَتِ مِي دَهْم وَ خدَا رَا شَاهِد مِي گيرم. أَنَّكَ مَصِيَّتٌ عَلَى مَا مَضَى يِ الْبَدْرِيُونَ وَ الْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» که تو بر آن راه رفتی که مجاهدین گذشته اسلام که در جنگ بدر شهید شدند، آنها که در

دوره های دیگر در راه خدا شهید شدند، رفتند. تو همان راه را رفتی. الْمُتَاصِحُونَ لَهُ فِي جِهَادِ أَعْدَائِهِ. در زبان عربی نصیحت به معنای پند نیست. در زبان فارسی نصیحت به معنای پند است. در زبان عربی به معنای خیرخواهی است. آن کسانی که برای خدا خیر می خواستند، در جهاد با دشمنان او، الْمُبَالِغُونَ فِي نُصْرَةِ أَوْلِيَائِهِ آنها که در نصرت اولیاء خدا آنچه که توانستند کردند. الدَّابُّونَ عَنْ أَحِبَّائِهِ آنها که از دوستان خدا دفاع کردند. آنها که از دوستان خدا دفاع کردند. تو همان راه را رفته ای. در قسمت دوم می فرماید: أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَالِغْتَ فِي النَّصِيحَةِ مِنْ شَهَادَةِ مَنْ دَعَاكَ أَنْ تَكُونَ خَيْرَ خَوَاتِمِ الْأَنْبِيَاءِ. نصیحت به معنای خیرخواهی بود. حداعلای خیرخواهی را عمل کردی. وَأَعْطَيْتَ غَايَةَ الْمَجْهُودِ. جهد یعنی کوشش. تو بالاترین مرتبه کوشش را در این راه انجام دادی. دیگر کسی نمی توانست کاری بیشتر از آن که تو کردی بکند. هیچ کس نتوانست بکند. أُعْطِيتَ غَايَةَ الْمَجْهُودِ آنچه توانستی در حد اعلاای ممکن که یک انسان می تواند کوشش کردی.

عالم زیر سایه حضرت عباس است. ایشان زیر سایه حضرت حسین علیه السلام است. مثالش را فرمودند مثل ماه و خورشید است

آیت الله جاودان ادامه می دهد: اگر شخص انسان کامل شود، می تواند تمام کوشش خود را در راهی که می خواهد به کار ببرد. من گرسنه می شوم دیگر نمی توانم جهاد کنم. خب این ضعف من است. خسته که می شوم، می مانم. این ضعف است. اینها مثال است. جمعیت دشمن زیاد می شود، می ترسم. این مال کمبود شخصیت من است. اگر خواستند به من رشوه بدهند، ممکن است بلغزم. این مال ضعف شخصیت من است. ثمره هر ضعف شخصیتی این است که ممکن است من نتوانم کاری که باید را بکنم. حالا اینجا می فرماید شما آنچه که می توانستی، یعنی یک انسان می توانست نسبت به امامش و در وظایفش نسبت به امامش بکند، هرچه بود و هرچه می توانستی کردی. أُعْطِيتَ غَايَةَ الْمَجْهُودِ. بالاترین مرتبه کوشش خودت را انجام دادی. بعد قَبَعْتَكَ اللَّهُ خدا تو را در میان شهدا مبعوث کند. و روح تو را همراه سعیدان [محشور کند] یک کسانی هستند سعیدند و یک کسانی هستند که شقی هستند. تو را در میان سعیدان محشور کند. فِي الشُّهَدَاءِ وَ جَعَلَ رُوحَكَ مَعَ أَرْوَاحِ السَّعْدَاءِ بعد یک تکه اش اینجا در یادداشت نیامده می فرماید تو را با انبیاء و اولیاء و با پدران [محشور کند].

آیت الله جاودان می گوید: خب چه کسی هست که به درگاه ایشان امیدوار نیست؟ عالم زیر سایه حضرت عباس است. ایشان زیر سایه حضرت حسین علیه السلام است. مثالش را فرمودند مثل ماه و خورشید است. ماه هرچه دارد، از خورشید دارد. و نورش همه عالم را می گیرد. نور ماه همه عالم را می گیرد. بنابراین ما از فضل ایشان برخوردار هستیم.